

مقولهٔ حجاب از دیدگاه عطار

دکتر کورس کریم‌پسندی^۱

چکیده

یکی از مقوله‌های بنیادین تفکر عطار در حوزهٔ عرفان، مقولهٔ حجاب درونی و عرفانی است. عطار حُجُب راه حق، هم چون؛ حجاب عقل، حجاب هستی، حجاب جسمانیت، حجاب حرص، حجاب عزّت، حجاب طاعت و عبادت و... را مانع سیر و سلوک و باعث عذاب همیشگی جان انسان می‌داند. در نقطهٔ مقابل، رفع حجاب را باعث رسیدن به لذت حقیقی و پایدار، استغراق در پردهٔ فنا و رسیدن به بقا و هم‌چنین سبب رسیدن به مقام قرب الهی می‌داند. از آن جایی که مقولهٔ حجاب، یکی از مباحث عمده در عرفان اسلامی است؛ این مقاله، به واکاوی و تبیین آن در آثار و افکار عطار می‌پردازد و نیز سیری است در اشارات تأمل برانگیز این عارفِ دردمند، دربارهٔ فلسفه و چرایی حجاب، منشأ حجاب، انواع حجاب، اصلی‌ترین حجاب، عمده‌ترین حُجُب راه حق، عوامل رافع حجاب، اثرات رفع حجاب؛ و این که انسان‌ها باید با خرق حجاب‌های ظلمانی و نورانی و حجاب خودی، باعث کسب بصیرت و بینش باطنی شوند تا به حضور معنوی و شهود حقیقت دست یابند. امید است که پیروی از اندیشه‌های آفرینشی و معرفتی عطار، روزنه‌ای از نجات و رستگاری را به روی خواننده بگشاید..

واژگان کلیدی: عطار، شعر، حجاب، عرفان.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

مقدمه

مقوله حجاب، یکی از مقوله های پیچیده و در عین حال با اهمیت عرفانی است که اکثر عرفا، بنا بر حکایت نفس و با اندیشه آفرینشی خود، آرا و اقوال مختلفی درباره آن بیان نموده اند؛ «چرا که بحث های عرفانی و مخصوصاً بحث در مورد حجاب، مربوط به پدیده های روانی و مسائل روان شناختی است و چنان که مشاهده می شود حتی امروزه با گسترش مراکز آکادمیک روان پژوهی هنوز در مورد پدیده ها و مسائل روانی اتفاق نظر چندانی وجود ندارد.» (مشرف، ۱۳۸۳: ۱۰۳) عرفا، حجاب های درونی را مانع سیر و سلوک و عروج در دایره کمال می دانند؛ از همین روست که در «متون عرفانی، عموماً از حجاب به عنوان یک اسم عام برای موانعی بحث می کنند که راه رسیدن به خدا را سد می کنند... هر چه غیر خداست، حجاب است. ما یا خدا را داریم یا حجاب را؛ وجه الهی را یا پرده ای که وجه را پنهان می کند؛ حقیقت مطلق را یا یکی از اسمای بی نهایتش را. به بیان دقیق تر، هر چیزی که ما ادراک می کنیم و تمام ادراکات ما حجاب اند؛ و این شامل علم ما از خدا، تمام کشف هایی که خدا به سالکان عطا می کند و تمام آنچه به انبیا وحی شده است، می شود.» (چیتک، ۱۳۸۲: ۱۳۷-۱۳۸)

در اهمیت این بحث، همان بس که خداوند می فرماید: «وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَجَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا.» (اسراء / ۴۵) «این حجاب دانی که چه باشد؟ حجاب بعد است از قربت که اولئک ینادون من مکان بعید خود همین گواهی می دهد.» (عین القضاة، ۱۳۷۰: ۴۱) حال به دلیل اهمیت و ضرورت کشف حجاب است که امام خمینی (ره) با تکرار و تأکید بر حجاب درونی و عرفانی، آن را راز و رمز پیچیده زندگی انسان معرفی می کند و می فرماید:

در حجابیم و حجابیم و حجابیم و حجابیم این حجاب است که خود راز معمای من است (خمینی، ۱۳۷۹: ۵۹)

حجاب در لغت به معنی پرده و پوشش است. اما در اصطلاح تصوف «هر آن چیزی است که آدمی را از قرب الهی دور می سازد.» (تهانوی، ۱۸۶۲: ۲۷۶/۱) هم چنین حجاب «عبارت از موانعی است که دیده بنده بدان از جمال حضرت جلت، محجوب و ممنوع است و آن جملگی عوالم مختلف دنیا و آخرت است که به روایتی هژده هزار عالم گویند و به

روایتی هفتاد هزار عالم و به روایتی سیصد و شصت هزار. «نجم رازی، ۱۳۷۹: ۲۲۱) حال این حجاب ممکن است از معصیت باشد یا از طاعت و عبادت. سنایی می گوید:

به هرچ از راه دور آفتی چه کفر آن حرف و چه ایمان

به هرچ از دوست وامانی چه زشت آن نقش و چه زیبا

(سنایی، ۱۳۵۶: ۱۹)

با ذکر این مقدمه کوتاه، و با بررسی و مطالعهٔ دیوان و مثنوی های عطار در می یابیم که یکی از واژه هایی که تقریباً با بسامد بالا در آثار او تکرار می شود، واژهٔ حجاب با مشتقات و مترادفات آن می باشد؛ لذا با توجه به جایگاه والای عطار در عرفان اسلامی، ضرورت دارد که مقولهٔ حجاب در آثار او، واکاوی و تبیین شود. حال در این جستار بر آنیم که موضوع حجاب را به روش تحلیلی و با ابزار کتابخانه ای از نظرگاه عطار بررسی کنیم؛ با این برآیند که انسان عصر حاضر، هر چند با پیشرفت علوم و فنون، پرده و حجابی را از روی حقایق جهان بیرون بر می دارد؛ اما از این کشف، در جهت امور مادی و رفاهی خود استفاده می کند تا جایی که از جهان درون و معنویت فاصله می گیرد و گرفتار درد صورت پرستی و ظاهر گرایی می شود و حجاب های گوناگون نفسانی در خود به وجود می آورد. هدف از این مقاله آن است که خواننده با تاسی به رهنمودهای سازندهٔ عطار، کشف حجاب کند و درون خود را از هرگونه حجاب راه حق پاک سازد تا شایستهٔ مقام قرب الهی گردد:

از حجاب نفس ظلمانی برآی تا شوی شایستهٔ قرب خدای

(لاهیجی، ۱۳۷۴: ۹۲۰)

پیشینه تحقیق

درباره پیشینه این تحقیق باید گفت هر چند راجع به مقوله حجاب در آثار عطار، پژوهشی جامع و مستقل به صورت کتاب یا مقاله انجام نشده است؛ اما در حوزه عرفان اسلامی، کارهای شایان توجهی دربارهٔ حجاب های عرفانی صورت گرفته است که اهم آنها به شرح زیر می باشد:

۱- کتاب: بررسی حجاب های نورانی و ظلمانی از دیدگاه عرفا در عرفان، نوشتهٔ فاطمه

لطفیان که در خوزستان- اهواز منتشر شده است.

۲- پایان نامه ها: بررسی مفهوم حجاب های نورانی و ظلمانی در عرفان اسلامی با تاکید بر

مثنوی مولوی، دانشگاه محقق اردبیلی، کارشناسی ارشد، ۱۳۹۲، استاد راهنما: اشرف میکائیلی، پدیدآورنده: فاطمه محقق. حجاب های ظلمانی و نورانی در صراط سلوک از منظر ماثورات دینی و عرفانی، دانشگاه ادیان و مذاهب، کارشناسی ارشد، ۱۳۹۵، استاد راهنما: حجت الاسلام دکتر علی فضلی. بررسی و مقایسه حجاب های نورانی و ظلمانی در حدیقه سنایی و منطق الطیر عطار، دانشگاه پیام نور استان فارس، کارشناسی ارشد، استاد راهنما: احمد طحان، دانشجو: قاسم پور علی.

۳- مقالات: مقاله حجاب جان، نوشته فائزه جنیدی که در زمستان ۱۳۹۴ در فصلنامه عرفان اسلامی، شماره ۴۲، سال یازدهم به چاپ رسیده است. مقاله بررسی حجاب های عرفانی از دیدگاه ابوعبدالله نقری، نوشته عظیم حمزئیان و سمیه اسدی در پاییز و زمستان ۱۳۹۵ در نشریه علمی پژوهشی پژوهش های ادب عرفانی (گوهر گویا) شماره دوم، پیاپی ۳۱، سال دهم به چاپ رسیده است. مقاله حجاب عرفانی در معارف بهاء ولد و مثنوی مولوی، نوشته دکتر مریم مشرف و حسن حیدرزاده سردرود، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۴۷، زمستان ۱۳۸۳، شماره مسلسل ۱۹۳ به چاپ رسیده است. به عنوان نمونه نویسندگان در این مقاله با توجه به موضوع تحقیق، مقوله حجاب را از نظر انواع، تعداد، جنس و ... بررسی کرده اند؛ اما به فلسفه حجاب، منشأ حجاب، عوامل رافع حجاب و غایت رفع حجاب نپرداختند که ما در مقاله حاضر درمدخلی جداگانه، به تحلیل هر یک خواهیم پرداخت.

چرا حجاب؟

دیدگاه معرفتی عطار به فلسفه و چرایی حجاب در خور توجه است، از آن رو که «حجاب خلق راست و حق از حجاب منزّه هست.» (بقلی شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳۲) عطار به دو دلیل، خلق حجاب از طرف خداوند را ضروری می داند: یکی آن که سالکانی که در وادی عشق به کمال و پختگی نرسیده اند، نتوانند به بارگاه شناخت عظمت الهی راه یابند: چندین حجاب و بنده به ره بر گرفته ای تا هیچ خلق پی نبرد راه کوی تو چون مُشک در حجاب شدی در میان جان تا ناقصان عشق نیابند بوی تو (عطار، ۱۳۷۶: ۷۰۰)

عین القضاات همدانی نیز در این باره می گوید: «دریغا دانی که چرا این همه پرده ها و

حجاب‌ها در راه نهادند؛ از بهر آن که تا عاشق روز به روز دیده‌وی پخته‌گردد، تا طاقت بار کشیدن لقاء... آرد بی‌حجابی.» (عین‌القضات، ۱۳۷۰: ۱۰۴)

دلیل دیگر این که جلوه‌گری و تجلی‌خداوند در عالم آفرینش به واسطهٔ حجاب‌های گوناگون است. از این رو «نشاید که این حجب مرتفع شود، چه اگر حجب اسما و صفات مرتفع شود، احدیت ذات از پردهٔ عزت بتابد اشیاء بکلی متلاشی شود، چه اتصاف اشیاء به وجود به واسطه اسما و صفات تواند بود.» (عراقی، ۱۳۸۲: ۴۸۹) بنابراین انسان، قابلیت و استعداد لازم را ندارد که پذیرای تجلیات خداوند، بدون واسطه و حجاب شود؛ لذا خلق حجاب از طرف خداوند حکیمانه است تا انسان را به مقام حیرت برساند و از تأمل و تفکر دربارهٔ حجب مختلف باز بدارد و آن را از الطاف خداوندی بداند:

ای هر نفسی جلوه‌گری افزونت گه در خاکست جلوه، گه در خونت
همچون متحیرری فرومانده از لطف حجاب‌های گوناگونت

(عطار، ۱۳۸۹: ۱۳۱۴)

منشأ حجاب

عطار عقیده دارد که سرچشمه و منشأ حجب راه حق یک چیز است؛ و آن هستی و وجود انسان است که مانع سیر و سلوک او به سوی حق و حقیقت می‌گردد؛ زیرا «همهٔ حجاب‌ها یک حجاب است جز آن یکی هیچ حجابی نیست، آن حجاب، این وجود است.» (تبریزی، ۱۳۷۷: ۹۹) از این رو عطار می‌گوید:

می‌ندانی کز چه ماندی در حجاب پردهٔ هستی تو ره بر تو بست

(عطار، ۱۳۷۶: ۷۴)

سلمان ساوجی نیز می‌گوید:

با تو تا مویی زهستی هست هستی در حجاب بر سر کویش قلندروار می‌باید شدن

(ساوجی، ۱۳۸۹: ۳۱۱)

انواع حجاب

حجاب رینی و حجاب غینی

شناخت انواع حجاب از مهم‌ترین شرط سیر و سلوک است؛ از این رو عارفان دیدگاه‌های معرفتی متفاوتی به انواع حجاب‌ها دارند. یکی از این دیدگاه‌های منحصر به فرد از آن

هجویری می‌باشد. وی در کتاب کشف‌المحجوب، حُجُب راه حق را به دو نوع تقسیم می‌کند: یکی حجاب رینی و دیگری حجاب غینی. حجاب رینی، حجاب ذاتی است که هرگز از بین نمی‌رود؛ ولی حجاب غینی، حجاب صفات بشری و زوال پذیر است: «اما حجاب دواست: یکی رینی- و نعوذ بالله من ذالک- و این هرگز بر نخیزد؛ و یکی حجاب غینی، و این زود برخیزد. و بیان این، آن بود که بنده‌ای باشد که ذات وی حجاب حق باشد تا یکسان باشد نزدیک وی، حق و باطل. و بنده‌ای باشد که صفت وی حجاب حق باشد و پیوسته طبع و سرش حق همی‌طلبد و از باطل می‌گریزد. پس حجاب ذاتی که رینی است بر نخیزد... و حجاب صفتی که آن غینی بود، روا باشد که وقتی دون وقتی برخیزد.» (هجویری، ۱۳۷۸: ۵)

حجاب ظلمانی و حجاب نورانی

یکی دیگر از معمول‌ترین و معروف‌ترین تقسیم‌بندی‌های حجاب، تقسیم آن به انواع نورانی و ظلمانی است؛ که اکثر عرفا و شعرا، هم چون: عزیزالدین نسفی، عین‌القیاض همدانی، شمس تبریزی، عراقی، مولوی و عطار قایل بدان هستند. حجاب ظلمانی، همان حجاب اجسام طبیعی و طبیعیات «چون شهوت و غضب و حقد و حسد و بخل و کبر و حَب مال و جاه و ریا و حرص و غفلت الی سایر الاخلاق الذمیه، و حجاب‌های نورانی، چون؛ نماز و روزه و صدقه و تسبیح و اذکار الی سایر الاخلاق الحمیده می‌باشد.» (عین‌القیاض، ۱۳۷۰: ۱۰۲) حجاب‌های ظلمانی «ناشی از کنش مستقیم نفس اماره است؛ ولی حجاب‌های نورانی که به ظاهر فعل و حالی قدسی است، نیز کنش غیر مستقیم نفس اماره است. معاصی ظاهر، جملگی در شمار حجب ظلمانی هستند اما طاعات و عبادات به ظاهر موجه، جزء حجب نورانی هستند؛ چرا که ممکن است آمیخته با ریا یا موجب عجب یا ... باشد.» (زمانی، ۱۳۸۹: ۶۰۱) عطار نیز با تکیه بر حدیث مشهور «إِنَّ لِلَّهِ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنْ نُورٍ وَ ظِلْمَةٌ لَوْ كَشَفْتَ لِأَحْرَقْتَ سُبُحَاتٍ وَ جِهَةٌ مَا أَنْتَهَى إِلَيْهِ بَصَرُهُ» (علوی قزوینی، ۱۳۷۶: ۸۱) قائل به تقسیم بندی حجاب، به انواع نورانی و ظلمانی می‌باشد:

هزاران پرده بیش از ظلمت و نور	چگونه منقطع گردد رهی دور
هزاران بند داری تا قیامت	چگونه ره بری راه سلامت

(عطار، ۱۳۸۸: ۶۵۱۵-۶۵۱۴)

اصلی‌ترین حجاب

با بررسی آراء و اقوال عطار دربارهٔ حجاب در می‌یابیم که انسان، در هر مقام و مرتبه‌ای که باشد به نحوی از انحاء گرفتار حجاب‌های درونی و نفسانی می‌شود و از سیر در دایرهٔ کمال باز می‌ماند؛ حتی «هیچ پیغامبر از حجاب نفس خویش بکلی خلاص نیافته بود تا به شفاعت دیگری پردازد، بلکه جمله نفسی نفسی زنند.» (نجم‌رازی، ۱۳۷۹: ۱۳۶) از این رو حضرت آدم و موسی و عیسی (ع) نیز دچار حجاب راه گشتند:

حجاب آدم آمد گندمی چند	نه گندم نه بهشت آمد ترا بند
حجاب راه موسی گشت نعلین	تو با نعلین بگذشتی ز کونین
حجاب راه عیسی سوزنی بود	ترا در هر مقامی روزنی بود...

(عطار، ۱۳۸۸: ۲۶۱-۲۵۹)

حجاب انانیت و رؤیت نفس، اصلی‌ترین حجاب در راه سیر و سلوک و رسیدن به معشوق ازلی است. اهمیت و نقش این حجاب به قدری برجسته است که اکثر عرفا و شعرا، مهم‌ترین حجاب راه، حجاب انانیت می‌دانند. ابوسعید، انانیت را تنها حجاب می‌داند، حجابی که با کنار زدن آن می‌توان به مقصود رسید: «حجاب در میان بنده و خدا زمین و آسمان نیست، عرش و کرسی نیست، پنداشت و منی تو حجاب است. چون از میان برگیری به خدا رسیدی.» (محمدبن منور میهنی، ۱۳۸۱: ۲۸۷)

عطار نیز با وجود اذعان به تعدد و تنوع حجاب، اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین حجاب راه انسان را به سوی حق و حقیقت، حجاب رؤیت نفس و انانیت انسان می‌داند؛ از این رو در کتاب تذکره الاولیاء می‌گوید: «آن خدایی که اهل معرفت را محبوب گردانید از جملهٔ خلق دنیا، بحجب آخرت؛ و از جمله خلق آخرت بحجب دنیا؛ و گفت: سخت‌ترین حجاب‌ها، نفس دیدنست.» (عطار، ۱۳۲۳: ۱۲۱)

از این رو عطار، به کرات بر حجاب پنداشت خودی و انانیت تأکید می‌ورزد و این تکرار و تأکید، بیان گر برجستگی حجاب انانیت، نسبت به دیگر حجب راه حق می‌باشد؛ زیرا «هیچ کس نیست از بشر که در او قدری از انانیت نیست. موسی انا اعلم مّٰن علی وجه الارض گفت! چیزی در او درآمد، این بگفت. حواله به خضر کردند. تا چند روز پیش او بود، آن از او برون رفت.» (تبریزی، ۱۳۷۷: ۲۳) حال عطار می‌گوید:

گرچه حجاب تو برون از حداست
پرده پندار بسوز و بدانک
چند کنی از سر هستی خروش
هیچ حجابیت چو پندار نیست
در دو جهانیت به از این کار نیست
نیست شو اندر طلب یار، نیست
(عطار، ۱۳۷۶: ۱۰۷)

باز می گوید:

تو همی محجوب از خود مانده ای
چون تویی تو، بر افتد از میان
تا ابد معیوب از خود مانده ای
تو بمانی بی حجاب جاودان
(عطار، ۱۳۹۲: ۳۸۸۱-۳۸۸۰)

عمده ترین حجابها

با بررسی آثار عطار در می یابیم که حجاب های بی شماری، مانع وصول انسان به حقیقت و معرفت شهودی حق می گردد:

ترا در ره بسی ریگ است ای دوست
زیک یک ریگ اگر تو می کشی بار
هوا و کبر و عجب و شهوت و آز
همه سر در کمینت می شتابند
زیک یک ریگ بیرون آی از پوست
بسی به زان که از کوهی به یک بار
دروغ و خشم و بخل و غفلت و ناز
که تا چون بر تو ناگه دست یابند
(عطار، ۱۳۸۸: ۲۶۳۸-۲۶۳۵)

از این رو با توجه به قالب تنگ این مقاله، از مجموع این حجاب ها، چه ظلمانی و چه نورانی، به تحلیل مواردی که برجستگی خاصی از نظرگاه عطار، هم از لحاظ اهمیت و هم از لحاظ بسامد دارد؛ می پردازیم:

حجاب جسمانیت

یکی از حجابهایی که عطار به کرات بر آن تأکید می ورزد و به تلویح و تصریح از آن سخن می گوید، حجاب جسم است که سد راه جان می شود. حجاب جسم از دیدگاه عطار، همانا پرداختن به امور نازل نفسانی، همچون: خوردن، آشامیدن، شهوترانی و لذات زودگذر و فریبای دنیوی است؛ زیرا «هر تعلقی، حجابی گشت او را از مشاهده جمال قدم و هر حجابی، سبب بعدی از عالم غیب و هر بعدی، علت قربی به عالم شهادت؛ تا وقتی که حجب، متراکم شد و بعد از حضرت، متأصل گشت...» (کاشانی، ۱۳۸۵: ۱۱۷) از این رو عطار می گوید:

تا بسته ای به مویی زان موی در حجابی چه کوهی و چه کاهی چون پای بست باشی
(عطار، ۱۳۷۶: ۷۸۳)

بنابراین کسی که بتواند حجاب جسم و جسمانیات را کنار بزند، دل او هم چون آینه ای می شود که حق در آن متجلی می شود و «چون بدین صفت گشت و استعداد قبول جمال روحانیات یافت؛ پس از آن در دیدهٔ سر نور روحانیات ملکوت- که اصل حسن است - در او پیوندد، زیرا که حجاب جان انسانی برخاست.» (بقلی شیرازی، ۱۳۶۰: ۳۸) از این رو عطار می گوید:

آینهٔ دیداری جسم تو حجاب توست اندر تو پدید آید چون آینه بزدایی
(عطار، ۱۳۷۶: ۸۴۵)

حجاب عقل و جان

هر چند در بادی امر و در نگاه انسان تُنک مایه و سطحی اندیش، حجاب عقل و جان ممکن است عاقلانه و خردمندانه نباشد؛ اما در عالم عشق و عرفان، هر چیزی می تواند حجاب راه سالک باشد، سنایی در این باره می گوید:

عقل رهبر ولیک تا در او فضل او مر ترا برد بر او
(سنایی، ۱۳۷۶: ۳۸)

عطار در نتیجه مکاشفات عرفانی خود برای رسیدن به جمال دوست، پرده ها و حجاب ها را یکی پس از دیگری کنار می زند و به جایی می رسد که حتی عقل و جان را نیز حجاب راه معرفی می کند؛ زیرا عقل ابزاری است برای «حکیم منطقی که وقتی طالب شناخت مطلوب است جنس و فصل او را جستجو می کند، صغری و کبری ترتیب می دهد و این مقدمات هم در جای خود حجاب هایی است که بر چهره مطلوب می اندازد و عین واقع را در زیر پرده هایی که از فکر خویش می تند مستور می دارد لاجرم فقط اوصاف مطلوب را در می یابد، دسترس به عین آن نمی یابد.» (زرین کوب، ۱۳۹۱: ۱۴۹) حال آن که عطار به سبب تجلی شهودی، حجاب عقل و جان را از پیش روی بر می دارد:

چون حجابی مشکل آمد عقل و جان در راه او

لاجرم در کوی او بی عقل و بی جان می روم
(عطار، ۱۳۷۶: ۵۸۴)

مولوی نیز در این باره با عطار هم عقیده است و عقل و جان را حجاب راه حق می داند:
عقل بند و دل فریب و جان حجاب راه از این هر سه نهانست ای پسر
(مولوی، ۱۳۷۸: ۱۰۹۷)

حجاب حرص

آفرینش حرص در وجود انسان، قطع نظر از این که ممدوح باشد یا مذموم؛ امری طبیعی، فطری و عطیه الهی است. به طوری که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا؛ به یقین انسان، حریص آفریده شده است.» (معارج/۱۹) زیرا حکمت الهی اقتضاء کرد «آدمی را به این صفت بیافریند، تا به وسیله این صفت به آن چه مایه خیر و سعادتش می باشد هدایت شود، چیزی که هست این خود انسان است که این مایه سعادت خود را مایه بدبختی خود می سازد.» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ۱۳۷/۲۰) عارفی هم چون عطار، با بهره گیری از تعالیم قرآنی و اسلامی، آفرینش حرص در انسان را امری خدادادی می داند که از زمان خلقت حضرت آدم (ع) در وجود انسان، نهادینه شده است:

ز آدم حرص میراث است ما را درازا محنتا آشفته کارا
(عطار، ۱۳۸۸: ۲۷۳۶)

مولوی نیز آفرینش حرص در انسان را امری خدادادی می داند که باعث رونق کار و بار آدمیان می شود:

اندیشان حرص بنهاده خدا تا بود گرمابه گرم و بانوا (مولوی، ۱۳۶۳: ۲۴۱)
البته باید اذعان داشت که حرص بر دو نوع است: حرص محمود و حرص مذموم.
«حرص محمود، حرص نسبت به شهود حق و کسب معارف و معالی اخلاقی است؛ اما حرص مذموم، حرص و تلاش در راه بدست آوردن لذات مادی.» (اکبرآبادی، ۱۳۵۶: ۱۱۲/۳)
مولوی به طرز زیبا و دلکش به تحلیل این دو نوع حرص می پردازد:

حرص اندر عشق تو فخر است و جاه	حرص اندر غیر تو ننگ و تباه
شهوة و حرص نران پیشی بُود	و آن حیزان ننگ و بدکیشی بُود
حرص مردان از ره پیشی بُود	در مُخَنَّتِ حرص، سوی پس رود
آن یکی حرص از کمال مردی است	و آن دگر حرص افتضاح و سردی است

(مولوی، ۱۳۶۳: ۱۹۵۸-۱۹۵۵)

حال با توجه به دو نوع حرص، عطار در آثار خود از حرص مذموم و منفی به مراتب بیشتر از حرص محمود و مثبت سخن می‌گوید، و معتقد است «حرص، آدمی را کور و کر می‌کند، آتشی است که همهٔ عالم را در بر می‌گیرد، بسیار ایمان‌ها را برباد می‌دهد.» (شجیعی، ۱۳۷۳: ۲۶۴) به این دلیل، آن را به عنوان یکی از حجب راه حق معرفی می‌کند؛ تا جایی که حجاب آدم (ع) می‌گردد و از بهشت رانده می‌شود:

شتاب از حرص دارد جان مردم ننگه کن حرص آدم بین و گندم
اگر نه حرص در دل راه دادی کجا از جنت المأوی فتادی

(عطار، ۱۳۸۸: ۲۷۳۵-۲۷۳۴)

هم چنین عطار، حرص مذموم را به عنوان یکی از دردهای نازل نفسانی انسان معرفی می‌کند که حجاب سیر و سلوک انسان می‌شود؛ و تنها با مرگ است که این حجاب از پیش چشم انسان کنار زده می‌شود:

تو نامرده نگرده حرص تو کم که درد حرص را خاک است مرهم

(همان: ۲۸۴۰)

حجاب کون و مکان

عالم آفرینش با تمام نمودها و مظاهر آن، دو جلوهٔ کاملاً متفاوت در اندیشهٔ عرفانی عطار دارد. آن جایی که عطار با دیدِ مرآتی به پدیده‌های جهان هستی می‌نگرد، سراسر هستی با تمام اجزای آن، هم چون آینه‌ای می‌شود که جمال حضرت معشوق در آن‌ها دیده می‌شود؛ اما آن جایی که با دیدِ انقطاعی به نمودها و مظاهر عالم آفرینش می‌نگرد، جمیع نمودها، حجاب جمال یار می‌شوند؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «همه اشیاء را آفریدم و آن را حجاب خویش قرار دادم و تنها بر آن بنده ظاهر بوم که رسوم از نظرش زداید.» (نقّری، ۱۳۹۰: ۸۰) از این رو عطار می‌گوید:

چون کون و مکان حجاب راه است در کون و مکان کجاست جویم

(عطار، ۱۳۷۶: ۶۲۶)

حجاب طاعت و عبادت

حجاب طاعت و عبادت از جمله حجاب‌های نورانی است که عرفایی چون؛ عین القضاة همدانی، نجم رازی، مولوی، عطار و ... بدان پرداخته‌اند. عطار عقیده دارد که حجاب طاعت

و عبادت از کنش غیر مستقیم نفس اماره به وجود می آید و «اگر بنده ثواب عبادت و ذکر خود را در چشم داشته باشد برای او حجاب می شود و دیدن حجاب کار خویش، او را به خویشتن سخت شیفته و مغرور می نماید.» (سرآج طوسی، ۱۳۸۲: ۳۸۲) از این رو، غرور طاعت و عبادت، حجاب راه است؛ زیرا «بندگان هر اندازه که بخواهند از طریق عبادت به او نزدیک شوند، از آن مرتبه نمی توانند فراتر روند؛ خداوند فراتر از هر موجودی است که انسان‌ها در هنگام عبادت آن را متصور می‌شوند و یا آن را تعظیم و در برابر عظمتش کرنش می‌کنند؛ از این رو عبادت و تعظیم‌ها حجاب است، و حضرت حق فراتر از این‌ها است.» (حمزئیان، ۱۳۹۵: ۷۲)

دگر ره گر بطاعت بنگری باز	ترا حالی حجابی افتد آغاز
چو از طاعت حجابی پیشت آید	حجاب از جاه جستن بیشت آید

(عطار، ۱۳۸۸: ۳۰۰۱-۳۰۰۰)

عطار از شخصیت‌های دینی که به حجاب عبادت گرفتار آمد و از راه حق منحرف شد، از بلعم باعور- دانشمند بنی اسرائیلی- نام می‌برد؛ زیرا «در نماز ایستاده بود و زنش در قفای او، همی رکوع به قبله مسلمانان بکرد و از رکوع برآمد رو سوی آفتاب کرد. زنش گفت: هی هی! می چه کنی؟ گفت: خاموش باش از هفتاد سال باز این می بایست کرد. کافر شد. گویند مرغ سپید از گلوی او برآمد و آن نور معرفت بود و مرغ سیاه در گلوی او پرید و آن نکرت بود.» (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۷۴۶/۲) از این رو خداوند او را به شکل سگی در آورد:

بلعمی کو مرد عهد خویش بود	چارصد سالش عبادت بیش بود
کرده بود او چارصد پاره کتاب	جمله در توحید و در رفع حجاب
چارصد روز و شبش در یک سجود	غرقه کرده بود دریای وجود
یک‌شب از شبها، شبی بس سهمگین	روی خود برداشت از خاک زمین
صد دلیل نفی صانع بیش گفت	شمع گردون را خدای خویش گفت
روی خویش آورد سوی آفتاب	سجده کردش «صارَ کلباً مین کلاب»

(عطار، ۱۳۹۲: ۶۵۸۶-۶۵۸۱)

حجاب عزت

یکی دیگر از برجسته‌ترین حجاب‌ها از نظر گاه عطار، حجاب عزت است. منظور از

حجاب عزت این است که «ادراکات کشفی، تاثیری در کنه ذات ندارند و همین عدم نفوذ ادراکات در ذات، حجاب است و موجب حیرت و سرگردانی است.» (سجادی، ۱۳۸۱: ۳۱۱) حال عطار با حسن تعلیلی زیبا، حجاب عزت خداوند را ناشی از غیرت او می داند؛ زیرا غیرت خداوند بر این قرار گرفته است که حجاب ها بر دیدهٔ آفریدگانش حفظ شود، چون شایستهٔ دیدار او نیستند. آنان که همهٔ حجاب ها و نقاب ها را از دیدگان خود کنار نهاده باشند، به پروردگار تقرب پیدا نمی کنند. اگر خدا بخواهد رخ خود را به اغیار که در حجاب اند، نشان دهد، این به فنای آن ها می انجامد و با مشیت الهی مغایر است؛ از این رو در حجاب عزت، پنهان شده است که حتی انسان های کامل و کارآزموده در طریق سلوک نیز نمی توانند به کنه ذات خداوند برسند:

ای در حجاب عزت پنهان شده ز غیرت نادیده گرد کویت مردان کار دیده
تو همچو آفتابی در پرده ها نشسته یک آه عاشقانت صد پرده بر دریده

(عطار، ۱۳۷۶: ۷۳۲)

عوامل رافع حجاب

با بررسی آثار و افکار عطار در می یابیم که راهکارهایی برای رفع حجاب ارائه می کند که در خور توجه است؛ زیرا بر سالک طریق حق «شرط آن است که اول، حجاب میان خود و حق بردارد تا از آن قوم نباشد که حق - تعالی - می گوید: وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا و مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا.» (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۲/۲) از این رو عطار، عوامل رافع حجاب را موارد ذیل می داند:

- یکی از عوامل رافع حجاب از نظر گاه عطار، درد حقیقی است؛ زیرا درد، نوعی تأدیب و نشان از راه کمال و ترقی و تعالی است که انسان را در برابر بسیاری از آفات راه حفظ می کند و سرانجام او را به مقام قرب الهی می رساند:

گه درد توام ز پرده آرد بیرون گاه از غم تو پردهٔ دل گیرد خون
هر روز هزار بار چون بوقلمون می گرداند عشق توام گوناگون

(عطار، ۱۳۸۹: ۱۲۷۰)

بنابراین عطار، درد را باعث از بین رفتن حجاب و زایش حقیقت در درون انسان می داند؛ زیرا مقصود از درد «آمادگی روحی انسان است برای پذیرفتن امور ذوقی و حقایق روحانی و

چیزهایی که می تواند انگیزه کارهای اساسی شود و نیروی حرکت سالک به سوی مقصود گردد. « (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۹۲) از این رو دردمندی، انسان را از حجاب نفسانی بیرون می آورد و به وصال حق می رساند. مولوی در این باره می گوید:

درد خیزد زین چنین دیدن، درون
تا نگیرد ما دران رادرد زه
درد، او را از حجاب آرد برون
طفل، در زادن نیابد هیچ ره
(مولوی، ۱۳۶۳: ۲۵۱۸-۲۵۱۷)

البته باید اذعان داشت همان گونه که درد حقیقی، رافع حجاب است؛ بی دردی، باعث حجاب غفلت و بی خبری می شود؛ زیرا «حق تعالی فرعون را چهارصد سال عمر و ملک و پادشاهی و کام روایی داد، جمله حجاب بود که او را از حضرت حق دور می داشت یک روزش بی مرادی و دردرس نداد تا نبادا که حق را یاد آرد. گفت: تو به مراد خود مشغول می باش و ما را یاد مکن شبت خوش باد.» (مولوی، ۱۳۸۱: ۲۳۳) از این رو عطار، عقیده دارد کسی که در درون، درد نداشته باشد و به درد حقیقت مبتلا نشده باشد، این دسته از انسان ها، دچار حجاب غفلت و بی خبری می شوند. حجاب غفلت و بی خبری ناشی از بی دردی، سبب می شود که انسان از دنیای روحانی فاصله بگیرد و به همان اندازه گرفتار حجاب دنیای مادی و جسمانی شود:

هر کرا این درد عالم سوز نیست در شب است و هرگز او را روز نیست
(عطار، ۱۳۹۲: ۴۱۷۶)

- یکی دیگر از عوامل رافع حجاب از دیدگاه عطار، پرهیز از صورت پرستی است؛ زیرا «اگر بر صورت قالب، عملی ظلمانی نفسانی پدید آید اثر آن ظلمت به نفس رسد، و از نفس کدورتی به دل رسد، از دل غشاوتی به روح رسد، و نورانیت روح را در حجاب کند همچون هاله که گرد ماه در آید. و به قدر آن حجاب، راه روح به عالم غیب بسته می شود، تا از مطالعه آن عالم بازماند و مدد فیض بدو کم تر رسد.» (نجم رازی، ۱۳۷۹: ۱۶۱)

صورت در نزد عطار، بر پدیده ها و لایه های سطحی جهان هستی؛ اعم از آفاقی و انفسی اطلاق می شود، و در برابر «معنی» قرار می گیرد که حقیقت راستین جهان هستی است که در پس حجاب مظاهر و نمودها پنهان شده است. بنابراین اگر جان معنی اندیش انسان، از پشت حجاب صورت و ظاهر پدیده ها بیرون بیاید، حقیقت دو جهان را خواهد دید:

اگر جانست برون آید ز صورت ببینی هر چه می دانی ضرورت

حجاب تو نیاید هر دو عالم ببینی هر دو عالم را به یک دم
(عطار، ۱۳۸۸: ۸۵۹-۸۵۸)

- یکی دیگر از عوامل رافع حجاب از دیدگاه عطار، اعتقاد به توحید و یگانگی خداوند است؛ زیرا «در این وادی که منزل تجرید و تفرید است عدد بر می خیزد و همه یکی می شود و این وحدت و یگانگی، حقیقی و ذاتی است نه عددی.» (فروزان فر، ۱۳۸۹: ۲۹۰) عطار این عالم را پُر از شهوات و لذات نفسانی می داند که هر کدام سَد راه سالک به سوی حقیقت می شوند و حجاب های مختلفی برای او به وجود می آورند. از این رو در مقام توحید، سالک آگاه از آفات راه می شود و تمام حجاب ها را پاره می کند و غیر حق در دیدهٔ او نمی آید و جز او کس نمی بیند و جز او نمی داند:

صد حجب اندر حجب پیوسته گشت تا رونده در پس دیوار شد
مرتفع چو شد به توحید آن حجب خفته از خواب هوس بیدار شد
(عطار، ۱۳۵۶: ۲۴۷)

- یکی دیگر از عوامل رافع حجاب از دیدگاه عطار، عشق است؛ زیرا عشق، یکی از قوی ترین محرک های وجود انسانی است و «آتشی است که در دل سالک می افتد و اسباب بیرونی و اندیشه های درونی سالک را که جمله بتان نفس و حجاب راه سالک اند به یکبار نیست گرداند...» (نسفی، ۱۳۶۲: ۲۹۷) از این رو عطار، یکی از خواص فوق العادهٔ عشق را دریدن حجب راه حق می داند که سالک طریق، به مدد و قوت عشق، پرده ها را یکی پس از دیگری فرو می کشاند:

هر پرده که پیش او در آید از قوت عشق برادراند
(عطار، ۱۳۷۶: ۲۹۷)

در این باره مولوی نیز می گوید:
که عشق خلعت جان است و طوق کرمنه برای ملک وصال و برای رفع حجاب
(مولوی، ۱۳۷۸: ۳۱۳)

اثرات رفع حجاب

- یکی از اثرات رفع حجاب از دیدگاه عطار، دست یافتن به لذت حقیقی است؛ زیرا «شهوت نفسانی یکدم بیش نیست و راه وصول به لذات دائم بر روی آدمی گشاده است و

چون توانِ وصول به لذتِ جانی همیشگی هست، وقوف بر لذت ناپایدار و دل نهادن بر شهوت از دون همّتی تواند بود.» (فروزان فر، ۱۳۸۹: ۸۹) از این رو عطار، از سالک طریق می خواهد که کمر همّت ببندد و حجاب هستی و وجود را از بین ببرد تا به لذت حقیقی و پایدار برسد:

اگر هستی حجابی پیشت آرد	از آن حالت دمی با خویشت آرد
چو هستی تو ننماید بر او	ز خود بی خود بمانی بر در او
دگر ره پرده ای در پیش آید	خودی در بی خودی با خویش آید
چو آگه شد شود لذت پدیدار	ز شادی در خروش آید دگر بار

(عطار، ۱۳۸۸: ۵۱۱-۵۰۸)

- یکی دیگر از اثرات رفع حجاب از دیدگاه عطار، استغراق در پرده فنا و رسیدن به مرتبه بقا است که پس از آن ندای انا الحق از همه خلاص بر می آید و خود به خود همه حجاب ها دریده می شود:

زحجاب اگر برآیی برسند خلق در تو پس از آن دم انا الحق زجهانیان برآید
(عطار، ۱۳۷۶: ۳۵۷)

نتیجه گیری

از این بحث می توان نتیجه گرفت که:

- عطار در نتیجه سیر و سلوک عاشقانه، به مرحله ای از شناخت و معرفت می رسد که همه حجاب ها را کنار می زند و به شهود حقیقت دست می یابد.
- انسان، در هر مقام و مرتبه، به نحوی از انحاء گرفتار حجب مختلف راه حق می شود.
- اصلی ترین و بزرگ ترین حجاب راه انسان به سوی حق و حقیقت، حجاب خودی و انانیت است.
- منشأ و سرچشمه همه حجاب ها، هستی و وجود مادی انسان است.
- عطار حجاب های نورانی را به مراتب، خطرناک تر از حجاب های ظالمانی می داند؛ زیرا شناخت آن ها کار هر کسی نیست.
- برجسته ترین حجاب ها از نظر گاه عطار، حجاب جسمانیت، حجاب عقل و جان، حجاب حرص، حجاب کون و مکان، حجاب طاعت و عبادت و حجاب عزت می باشد.

- عطار عوامل برطرف کنندهٔ حجب راه حق را، درد حقیقی، پرهیز از صورت پرستی، اعتقاد به توحید و یگانگی خداوند و عنصر عشق می داند.
- عطار اثرات رفع حجاب را، باعث رسیدن به لذت حقیقی و پایدار، استغراق در پردهٔ فنا و رسیدن به مرتبهٔ بقا؛ و هم چنین رسیدن به مقام قرب الهی می داند.
- رفع حجاب های گوناگون سبب می شود که انسان تا حدّ زیادی از اوصاف جسمانی خود فاصله بگیرد و به همان اندازه به اوصاف روحانی نزدیک گردد تا شایستهٔ مقام خلافت الهی شود.

کتاب نامه

قرآن کریم.

تبریزی، شمس‌الدین محمد. ۱۳۷۷. مقالات شمس تبریزی. تصحیح محمدعلی موحد. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.

تهانوی، محمد علی الفاروق. ۱۸۶۲. کشاف اصطلاحات الفنون. کلکته.

چیتک، ویلیام. ۱۳۸۲. مقدمه ای بر تصوف و عرفان اسلامی. ترجمه جلیل پروینی. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره).

خمینی، روح الله. ۱۳۷۹. دیوان امام. چاپ بیست و هفتم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

حمزئیان، عظیم و سمیه اسدی. ۱۳۹۵. «بررسی حجاب های عرفانی از دیدگاه ابوعبداله نقری». نشریه علمی - پژوهشی پژوهش های ادب عرفانی (گوهر گویا). سال دهم. شماره دوم. پیاپی ۳۱.

بقلی شیرازی، روزبهان ۱۳۷۴. شرح شطحیات. تصحیح و مقدمه فرانسوی: هنری گربین. چاپ سوم. تهران: طهوری.

_____ ۱۳۶۰. عبرالعاشقین. تصحیح و مقدمه فارسی و فرانسوی: هنری گربین و محمد معین. چاپ سوم. تهران: منوچهری.

زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۳. ارزش میراث صوفیه. چاپ هفتم. تهران: امیرکبیر.

_____ ۱۳۹۱. صدای بال سیمرغ. چاپ ششم. تهران: سخن.

زمانی، کریم. ۱۳۸۹. میناگر عشق. چاپ هشتم. تهران: نی.

ساوجی، سلمان. ۱۳۸۹. کلیات سلمان ساوجی. مقدمه. تصحیح عباسعلی وفائی. چاپ اول. تهران: سخن.

سجادی، سیدجعفر. ۱۳۸۱. فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. چاپ ششم. تهران: طهوری. سراج طوسی، ابونصر. ۱۳۸۲. اللمع فی التصوف. تصحیح و تحشیه: رینولد آلن نیکلسون. ترجمه مهدی محبتی. چاپ اول. تهران: اساطیر.

سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم. ۱۳۷۶. حدیقه حکیم سنایی غزنوی. به سعی امیر بانوی کریمی. چاپ دوم. تهران: زوآر.

- _____ ۱۳۵۶. دیوان شعر. سعی و اهتمام مدرس رضوی. چاپ چهارم. تهران: سنایی.
- سورآبادی، عتیق بن محمد. ۱۳۸۰. تفسیر سورآبادی. تصحیح علی اکبر سعیدی سیرجانی. جلد دوم. چاپ اول. تهران: فرهنگ نشر نو.
- شجیعی، پوران. ۱۳۷۳. جهان بینی عطار. چاپ اول. تهران: ویرایش.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۰. زبور پارسی. چاپ دوم. تهران: آگاه.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۶۷. تفسیر المیزان. ترجمهٔ سید محمدباقر موسوی همدانی. جلد بیستم. چاپ سوم. بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- عراقی، فخرالدین ابراهیم بن بزرگمهر. ۱۳۸۲. کلیات شعر. تصحیح و توضیح نسرین محتشم (خزاعی). چاپ دوم. تهران: زوآر.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد. ۱۳۸۸. اسرارنامه. مقدمه. تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ چهارم. تهران: سخن.
- _____ ۱۳۸۸. الهی نامه. مقدمه. تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ پنجم. تهران: سخن.
- _____ ۱۳۲۳. تذکره الاولیاء. تصحیح میرزا محمدخان قزوینی. چاپ دوم. تهران: گنجینه.
- _____ ۱۳۷۶. دیوان عطار. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. چاپ دوم. تهران: نشر نخستین.
- _____ ۱۳۸۹. مختارنامه. مقدمه. تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ چهارم. تهران: سخن.
- _____ ۱۳۹۲. مصیبت نامه. مقدمه. تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ ششم. تهران: سخن.
- _____ ۱۳۸۳. منطق الطیر. مقدمه. تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ اول. تهران: سخن.
- همدانی، عین القضاة. ۱۳۷۰. تمهیدات. تصحیح عقیف عسیران. چاپ سوم. تهران: منوچهری.
- غزالی طوسی، ابوحامد محمد. ۱۳۸۳. کیمیای سعادت. به کوشش حسین خدیو جم. جلد دوم. چاپ یازدهم. تهران: علمی و فرهنگی.

- فروزانفر، بدیع الزمان. ۱۳۸۹. شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری. چاپ دوم. تهران: آسیم.
- کاشانی، عزالدین محمود. ۱۳۸۵. مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه. مقدمه. تصحیح و توضیحات: عفت کرباسی و محمد رضا برزگر خالقی. چاپ دوم. تهران: زوآر.
- لاهیجی، شیخ محمد. ۱۳۷۴. مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز. مقدمه کیوان سمیعی. چاپ ششم. تهران: سعدی.
- محمد بن منور میهنی. ۱۳۸۱. اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید ابوالخیر. تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی. چاپ پنجم. تهران: آگاه.
- مشرف، مریم و حسن حیدرزاده سردرود. ۱۳۸۳. «حجاب عرفانی در معارف بهاء ولد و مثنوی مولوی» نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. شماره ۱۹۳. ۱۰۳.
- مولوی بلخی، جلال الدین محمد. ۱۳۸۱. فیه مافیہ. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- _____ ۱۳۷۸. کلیات شمس تبریزی. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. چاپ اول. تهران: پیمان.
- _____ ۱۳۶۳. مثنوی معنوی. تصحیح نیکلسون. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
- نجم رازی، عبدالله بن محمد. ۱۳۷۹. مرصاد العباد. اهتمام محمد امین ریاحی. چاپ هشتم. تهران: علمی و فرهنگی.
- نسفی، عزیزالدین. ۱۳۶۲. الانسان الكامل. تصحیح ماریژن مول. ترجمه ضیاء الدین دهشیری. تهران: طهوری.
- نقّری، محمد بن عبدالله. ۱۳۹۰. در محضر حضرت دوست (المواقف و المخاطبات). ترجمه محمود رضا افتخارزاده. تهران: جامی.
- هجویری، علی بن عثمان. ۱۳۷۸. کشف المحجوب. تصحیح ژوکوفسکی. چاپ ششم. تهران: طهوری.

The Holy Quran.

Akbar-Abadi, Wali Mohammad, 1356, Mathnawi.

Tabrizi, Shams al-Din Muhammad, 1377, Articles Shams, correction

Muhammad Ali Movahed, Second Edition, Tehran: Khwarizmi.

- Thanvy, Mohammed Ali Al-Farouq, 1862, heuristically terms Alfnvn, Kolkata.
- Chytk, William, 1382, Introduction to Islamic mysticism, the translation of Galilee, P, Tehran Imam Khomeini Research Center (R).
- Khomeini, Ruhollah, 1379, the Court Imam, the twenty-seventh edition, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Rozebahan Baghli, 1374, Shathiyat, correction and an introduction to French: Art Krbyn, third edition, Tehran: Tahoori.
- Rozebahan Baghli, 1360, Bhralashqyn, correction and introduction Persian and French: Art Krbyn and Mohammad Moin, Third Edition, Tehran Manouchehr.
- Zarrinkoub, Abdul, 1373, the legacy of Sofia, seventh edition, Tehran: Amir Kabir.
- Zarrinkoub, Abdul, 1391, the sound of the wings of Phoenix, the sixth edition, Tehran: Sokhan.
- Zamani, Kareem, 1389, Mynagr love, Eighth Edition, Tehran: Ney.
- Savedji, Salman, 1389, General Salman Savedji, Introduction, Vafaei proofing, printing, Tehran: Sokhan.
- Sajadi, Sayed Jafar, 1381, glossary and mystical interpretations, sixth edition, Tehran: Tahoori.
- Siraj al-Din Tusi, Abu Nasr, 1382, Allm per Altsvf, corrected and annotated: Alan Reynold Nicholson, M. love translating, printing, Tehran: mythology.
- Sanai Ghaznavi, Hakim Abvalmjd Mjdv Ben Adam, 1376, Hadigh Hakim Sanai Ghaznavi, to try Amir Karimi lady, Second Edition, Tehran: pilgrims.
- Sanai Ghaznavi, Hakim Abvalmjd Mjdv Ben Adam, 1356, the Court of poetry, attempt Modarres Razavi, Fourth Edition, Tehran: Sanai.
- Sur village, Atigh Ben Mohammad, 1380, commentary sur-Abadi, Ali Akbar Saidi Sirjani, Volume II, First Edition, Tehran: new publishing culture.
- Shajie Puran, 1373, world-Attar, First Edition, Tehran: editing.
- Shafiee Kadkani Mohammad Reza, 1380, the Psalms, English, Second Edition, Tehran: informed.

Tabatabaei, Seyed Mohammad Hossein, 1367, Al-Mizan, Mohammad Bagher Mousavi translation Hamadani, Volume twentieth third edition, scientific and intellectual foundation Tabatabai.

Iraqis, Fakhrudin Ebrahim bin BOZORGMEHR.BRANCH, 1382, Collected Poems, correction and explanation Nasrin Mohtasham (KHAZAEI), second edition, Tehran: pilgrims.

Attar, Sheikh Mohammed Fariddun, 1388, Asrarnamh, introduction, correction and suspension Mohammad Reza Shafiee Kadkani, Fourth Edition, Tehran: Sokhan.

Attar, Sheikh Mohammed Fariddun, 1388, Elahi Nameh, introduction, correction and suspension Mohammad Reza Shafiee Kadkani, Fifth Edition, Tehran: Sokhan.

Attar, Sheikh Mohammed Fariddun, 1323, Taḍkerat Oliya, correction Mirza Mohammad Khan, Qazvin, Second Edition, Tehran: treasures.

Attar, Sheikh Mohammed Fariddun, 1376, the Court Attar, correction Badi'ozaman Foruzanfar, second edition, Tehran: Publication of the first.

Attar, Sheikh Mohammed Fariddun, 1389, Mokhtarnamh, introduction, correction and suspension Mohammad Reza Shafiee Kenny Code, Fourth Edition, Tehran: Sokhan.

Attar, Sheikh Mohammed Fariddun, 1392, a tragedy, introduction, correction and suspension Mohammad Reza Shafiee Kenny Code, Sixth Edition, Tehran: Sokhan.

Attar, Sheikh Mohammed Fariddun, 1383, Altaïr logic, Introduction, correction and suspension Mohammad Reza Shafiee Kadkani, printing, Tehran : Sokhan.

Eynolghozat Hamadani, 1370, arrangements, corrected Afif Asiri, Third Edition, Tehran: Manouchehri.

Tusi al-Ghazali, Abu Hamed Mohammad, 1383, The alchemy of happiness, to try Hussein KHadiv Jam, Vol. II, the eleventh edition, Tehran: Scientific and Cultural Organization.

Foruzanfar, Bediuzzaman, 1389, biographies and critical analysis of Fariddun Sheikh Attar, second edition, Tehran: Asim.

Kashani, Izz al-Din Mahmoud, 1385, Mesbaholhedayeh and key Alkfayh, ventilation, moisture and Description: chastity canvas and Mohammad Reza sower creator, Second Edition, Tehran: pilgrims.

Lahiji, Sheikh Mohammed, 1374, Mafatih Alajaz Fi as the Secret Garden, an introduction Samii Saturn, the sixth edition, Tehran: Saadi.

Mohammed bin illuminated Patriotic, 1381, Sheikh Sa'id Abu al-Khair Asrar al-Tawhid per official, Mohammad Reza Shafiee correction code Kenny, Fifth Edition, Tehran: informed.

Molavi Balkhi, Jalal al-Din Mohammad, 1381, Fierro ma-fih-proofing Badi'ozaman Foruzanfar, second edition, Tehran: Amir Kabir.

Molavi Balkhi, Jalal al-Din Muhammad, 1378, Shams Tabrizi, Badi'ozaman Foruzanfar proofing, printing, Tehran:treaty.

Molavi Balkhi, Jalal al-Din Muhammad, 1363, Masnavi, correction Nicholson, first edition, Tehran: Amir Kabir.

Razi Abdullah bin Mohammad, 1379, Mersad al contribution of Mohammad Amin Riahi, Eighth Edition, Tehran: Scientific and Cultural Organization.

Nasafi, Azizuddin, 1362, Alansan al-Kamil, correction Maryzhn mole, translation Ziauddin Dehshiri, Tehran: Tahoori.

Hojviri, Ali bin Usman, 1378, Kashf al-Mahjub, correction Zhukovsky, sixth edition, Tehran: Tahoori.

.